

Guaranteeing citizenship rights in the light of Islamic councils with a look at human rights documents

Seyyed Mohammad Aghamiri¹, Khirullah Parvin²✉

Abstract

Field and Aims: protection of citizen's rights has been accepted as a principle in various elements of legislative systems as well as its implementation. Therefore, it seems that principles based on the protection of citizen's rights are also used in the field of regulations governing Islamic city and village councils. Citizenship rights should be in the light of citizenship rights and its protection both in the creation phase and in the implementation phase.

Method: The present research was carried out using a descriptive analytical method.

Finding and Conclusion: Human rights documents can undoubtedly be considered as one of the important sources of citizenship rights. In other words, by joining the human rights documents, governments commit to align their domestic regulations with their international obligations, and based on this, drafting regulations related to the right of citizenship is a part of this process. Councils can play a significant and important role in the realization of citizens' rights by providing a platform for citizens' participation in the administration of affairs. Considering the role of citizens in the city council elections, it seems that the right of citizens is respected in the councils when they have the principle of voluntary participation in the elections.

Keywords: citizenship rights, human rights, human dignity, Islamic councils, remedies.

*Citation (APA): Aghamiri, S.M., Parvin. KH. (2022). Guaranteeing citizenship rights in the light of Islamic councils with a look at human rights documents. *International Legal Research*, 15(57), 107-121.

https://alr.ctb.iau.ir/article_692668.html?lang=en

1. PhD student, Public Law Department, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Email: aghamiri1400@gmail.com

2. Professor, Department of Public Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. (author). Email: khparvin@ut.ac.ir

تضمین حقوق شهروندی در پرتو شوراهاى اسلامى با نگاهی به اسناد حقوق بشرى

سید محمد آقامیری^۱، خیرالله پروین^۲ ✉

چکیده

زمینه و هدف: حمایت از حقوق شهروندی در ارکان مختلف سیستم‌های قانون‌گذاری و همچنین اجرای آن به‌عنوان یک اصل مورد پذیرش قرار گرفته است. از این رو به نظر می‌رسد در حوزه مقررات حاکم بر شوراهاى اسلامى شهر و روستا نیز از چارچوب‌های مبتنی بر حمایت از حقوق شهروندی استفاده می‌شود. حقوق شهروندی هم در مرحله ایجاد و هم در مرحله اجرا باید در پرتو حقوق شهروندی و حمایت از آن باشد.

روش: پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

یافته‌ها و نتایج: اسناد حقوق بشری را بدون شک می‌توان یکی از منابع مهم حقوق شهروندی دانست. به عبارت دیگر دولت‌ها با پیوستن به اسناد حقوق بشری تعهد می‌دهند که مقررات داخلی را با تعهدات بین‌المللی خود منطبق نمایند و بر این اساس تدوین مقررات مربوط به حق شهروندی بخشی از این فرآیند می‌باشد. شوراها می‌توانند با فراهم آوردن بستر مشارکت شهروندان در اداره امور، نقش بسیار مثبت و مهمی در احقاق حقوق شهروندی داشته باشند. با توجه به نقش شهروندان در انتخابات شورای شهر، به نظر می‌رسد زمانی حق شهروندی در شوراها رعایت می‌گردد که وی دارای اصل اختیاری بودن شرکت در انتخابات باشد.

کلیدواژه‌ها: حق شهروندی، حقوق بشر، کرامت انسانی، شوراهاى اسلامى، ضمانت اجرا.

* استناددهی (APA): آقامیری، سیدمحمد؛ پروین، خیرالله. (۱۴۰۱). تضمین حقوق شهروندی در پرتو شوراهاى اسلامى با نگاهی به اسناد حقوق بشرى. *تحقیقات حقوقى بین‌المللى*، ۱۵(۵۷)، ۱۰۷-۱۲۱.

https://alr.ctb.iau.ir/article_692668.html

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد

اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: aghamiri1400@gmail.com

۲. استاد گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

رایانامه: khparvin@ut.ac.ir

مقدمه

رشد سریع شهرنشینی و شکل‌گیری مقیاس‌های جدیدی از رشد و توسعه شهری طی دهه‌های اخیر، شهرها و جوامع شهری را با پیچیدگی‌ها و معضلات جدیدی روبرو کرده است. پیچیده‌تر شدن شهرها و شهرنشینی، پیچیده‌تر شدن حکومت و ضرورت تعامل جامعه شهری، شهروندان، اصناف و نهادهای شهری با حکومت، به نگاهی نو به شهروندان به‌عنوان مکمل، متمم و یاری‌رسان حکومت در امر تصمیم‌گیری نیاز دارد. از سوی دیگر، رشد جمعیت شهرنشین و توسعه اجتماعی، افزایش سطح مطالبات شهروندان از دولت برای ارائه خدمات را افزایش داده است. مدیریت شهر به‌عنوان رویکردی نوین در حل معضلات و مشکلات به وجود آمده در جامعه، نقش مهمی به‌عنوان یک حکومت محلی در عرصه زندگی شهری ایفا می‌کند.

از مهم‌ترین دلایل شکل‌گیری شوراهای اسلامی شهر، مطابق با اصول قانون اساسی و حتی با توجه به تجربیات جهانی، تحقق حقوق شهروندی در حوزه شهر و استان است. در تحقق حقوق شهروندی باید به عوامل مدنی، سیاسی و اجتماعی در جامعه توجه شود. هرکدام از این عوامل به سهم خود در تحقق حقوق شهروندی تأثیرگذار هستند. شهروند به‌عنوان یکی از عوامل مهم تأسیس دولت و حکومت است؛ بنابراین به حقوق شهروندی باید از این مقوله نگریست. همان‌گونه که شهروندان در فرمان‌برداری سهیم هستند باید در حکمرانی هم سهیم باشند؛ در چنین فرایندی حقوق شهروندی پذیرفته و به رسمیت شناخته شده است. از جمله راه‌های تحقق حقوق شهروندی، تقویت نهادهای مدنی است. همان‌گونه که اراده عمومی جامعه و همه شهروندان در مرحله اجرا برای تحقق حقوق شهروندی موردنیاز است، اراده مقامات و نهادهای رسمی حکومت با توجه به پیشینه تاریخی و تسلط کامل دولت بر اقتصاد، فرهنگ و سیاست برای احترام به حقوق شهروندی و اجرای قوانین موجود در زمینه حقوق شهروندی، ضروری و موردنیاز است. در این تحقیق سعی بر آن داریم که جایگاه نهاد شورای اسلامی شهر تهران را در تحقق حقوق شهروندی موردبررسی قرار دهیم.

۱. جایگاه شوراهای اسلامی

به موجب اصل ششم قانون اساسی در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود که یکی از راه‌های آن انتخاب اعضای شوراها در کنار انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و نظایر این‌ها یا از راه همه‌پرسی است. همچنین بر اساس اصل هفتم قانون اساسی طبق دستور قرآن کریم: «و امرهم شوری بینهم» و «شاوهرم فی الامر» شوراها، مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر این‌ها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند...» بنابراین با توجه به این اصول شوراها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشور محسوب می‌شوند.

با در نظر گرفتن فلسفه ایجاد شوراهای مبنی بر نقش مردم در تصمیم‌گیری و اداره امور محل خود و اداره امور هر محل توسط اهالی همان محل، شوراهای اسلامی نوعی پارلمان محسوب می‌شوند. (امامی و استوار سنگری، ۱۳۹۱: ۱۰۸) با توجه به اصل مذکور در قانون اساسی که شوراهای را در کنار مجلس شورای اسلامی از ارکان تصمیم‌گیری دانسته است، این نهادها نیز هر چند به صراحت جزئی از قوه مقننه محسوب نشده‌اند، با توجه به ماهیت کارکردشان که تصمیم‌گیری است، جزئی از قوه قانون‌گذاری کشور هستند. باید گفت همان‌طور که مجلس شورای اسلامی در سطح کل کشور به قانون‌گذاری و نظارت می‌پردازد، شوراهای نیز در حوزه محلی به نوعی قانون‌گذاری و نظارت مبادرت می‌کنند. البته منظور از قانون‌گذاری تصویب قواعد عامل‌الشمولی است که نباید مخالف قوانین مجلس باشد و در مرتبه‌ای پایین‌تر از قوانین مصوب مجلس است. (ربانی، ۱۳۹۹: ۲۱۰)

در این مورد می‌توان به اصل دوازدهم قانون اساسی نیز استناد کرد. به موجب بخشی از این اصل «... در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از مذاهب دیگر اسلامی اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراهای بر طبق آن مذهب خواهد بود...» لذا حق مقررات‌گذاری محلی در این اصل به صورت تلویحی برای شوراهای به رسمیت شناخته شده است. بنابراین با توجه به این موارد می‌توان شوراهای اسلامی کشور را با توجه به ماهیتشان جزئی از قوه مقننه کشور هر چند در سطح ملی محسوب کرد. (رستمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۳)

هر چند قانون‌گذار عادی در قانون مربوط به شوراهای اسلامی، مجلس شورای اسلامی را مافوق شورای عالی استان‌ها تلقی کرده است و شورای عالی استان‌ها را در مقابل مجلس شورای اسلامی مسئول دانسته است، ولی همین امر نیز بیانگر این است که از نظر قانون‌گذار، شورای عالی استان‌ها که در رأس سلسله مراتب شوراهای اسلامی کشور است، زیرمجموعه مجلس شورای اسلامی به عنوان نهاد اعمال‌کننده قوه مقننه است، همان‌گونه که دیوان محاسبات کشور نیز زیرمجموعه مجلس و جزئی از قوه مقننه محسوب می‌شود. از همین رو قانون‌گذار، شورای عالی استان‌ها را مکلف به ارسال مصوبات خود به مجلس شورای اسلامی به عنوان شورای مافوق کرده است (همان: ۴۴).

۲. مبانی حقوق شهروندی

حقوق شهروندی را می‌توان مجموعه‌ای از حقوق دانست که قانون‌گذار در هر یک از زمینه‌های زندگی فردی و اجتماعی هر شهروند به عنوان عضوی از جامعه برای او به رسمیت شناخته است. این حقوق به عناوین مختلف در بعضی از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سایر قوانین عادی مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است (تقی اوغلی، ۱۳۸۷: ۴).

یک شهروند یک عضو رسمی یک شهر، ایالت یا کشور است. این دیدگاه، حقوق و مسئولیت‌هایی را به شهروند یادآور می‌شود که در قانون پیش‌بینی و تدوین شده است. از نظر حقوقی، جامعه نیازمند وجود مقرراتی است که روابط تجاری، اموال، مالکیت، شهرسازی، سیاسی و حتی مسائل خانوادگی را در نظر گرفته و سامان دهد. از این رو از دید شهری موضوع حقوق شهروندی، روابط مردم شهر، حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر و اصول و هدف‌ها و وظایف و روش انجام آن است. همچنین نحوه اداره امور شهر و کیفیت نظارت بر رشد هماهنگ شهر است که می‌توان به‌عنوان مهم‌ترین اصولی بدانیم که منشعب از حقوق اساسی کشور است.

به اعتقاد برخی برای اینکه «شهروندی» دارای مفهوم و جوهره واقعی باشد شهروندان باید بر مبنای معیارهای عینی و شفاف مورد قضاوت قرار گیرند لذا «شهروندی» در ابتدا خود، یک حق است و در ادامه زاینده حقوق متعدد دیگری برای شهروند است. از این رو «شهروندی» توانایی افراد را برای قضاوت در مورد زندگی خودشان تصدیق می‌کند و زندگی آن‌ها از پیش به‌وسیله نژاد، مذهب، طبقه، جنسیت و یا صرفاً از روی یکی از هویتشان تعیین نمی‌شود. به این ترتیب حق شهروندی محمل بسیار مناسبی برای ارضاء انگیزه سیاسی انسان یعنی آنچه هگل از آن «نیاز به رسمیت شناخته شدن» نام می‌برد، است. موقعیت شهروند به یک حس عضویت داشتن در یک جامعه گسترده دلالت دارد. این موقعیت، کمکی را که یک فرد خاص به آن جامعه می‌کند، می‌پذیرد و به او استقلال می‌دهد. این استقلال در مجموعه‌ای از حقوق انعکاس پیدا می‌کند که هرچند از نظر محتوی در زمان‌ها و مکان‌های مختلف متفاوت‌اند، اما همیشه بر پذیرش کارگزاری و فاعلیت سیاسی دارندگان آن حقوق دخالت دارند.

بنابراین ویژگی کلیدی کلمه «شهروندی» که آن‌ها از تابعیت صرف متمایز می‌کند وجود یک اخلاق مشارکت است. به این لحاظ از آنجا که «شهروندی» در مورد روابط انسانی یک تعریف ساده و ایستا را که برای همه‌ی جوامع در همه‌ی زمان‌ها بکار رود بر نمی‌تابد. از این رو یکی از سؤالات ضروری که هنگام تلاش برای درک شهروندی و به تبع آن حقوق شهروندی مطرح می‌شود، این است که چه ترتیبات اجتماعی و سیاسی بستر اعمال شهروندی و حقوق شهروندی را تشکیل می‌دهند.

بنابراین می‌توان گفت که «شهروندی» موقعیتی است که فرد با برخورداری از آن می‌تواند در یک جامعه سیاسی و اخلاقی شده، زندگی خود را بر اساس وابستگی‌های متقابل و بر اساس موازن و تعادل حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی ساماندهی کند.

۲-۱. نسبت حقوق بشر و حقوق شهروندی

اسناد حقوق بشری را بدون شک می‌توان یکی از منابع مهم حقوق شهروندی دانست. به عبارت دیگر دولت‌ها با پیوستن به اسناد حقوق بشری تعهد می‌دهند که مقررات داخلی را با

تعهدات بین‌المللی خود منطبق نمایند و بر این اساس تدوین مقررات مربوط به حق شهروندی بخشی از این فرآیند می‌باشد که البته در کشورهای مختلف، متفاوت است.

در یک برداشت شناخته شده، حقوق بشر به آن دسته از استحقاق‌های حداقلی ای اطلاق می‌شود که هر شخص از آن جهت که عضوی از جامعه انسانی است و قطع نظر از هر ملاحظه دیگری اعم از موقعیت و منصب باید در مقابل دولت و سایر مقامات دولتی از آن‌ها برخوردار باشد. (ساتیانارایانا، ۲۰۱۵: ۳۰۴) در واقع اگرچه حقوق بشر در روابط میان افراد نیز مطرح می‌باشد و ترجیح شخص صاحب آن در مقابل سایر ترجیحات فردی متعارض، حاکم است اما فضای غالب در گفتمان حقوق بشر فضای تضمین و تأمین حقوق اشخاص در برابر نهاد دولت است. (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۸: ۴۱) در مقابل شهروند کسی است که به عنوان عضوی از جامعه سیاسی در کنار سایر شهروندان از حقوق و مسئولیت‌هایی برابر بهره‌مند است. (بلامی^۱، ۲۰۱۴: ۱) در نگاه به حق‌های بشری به عنوان آنچه در راستای تحقق «فاعلیت هنجاری» ضرورت دارد، درمی‌یابیم که سه دسته وسیع از حق‌های بشری وجود دارد. حقوق مرتبط با استقلال یا خودمختاری، حقوق مرتبط با آزادی و حقوق رفاهی. به تعبیر دیگر در سطح حق‌های بشری جهان‌شمول با سه حق دسته اول مواجهیم که هر یک از این حق‌های دسته اول یعنی حق بر خودمختاری، حق بر آزادی و حق بر رفا به طیف متنوعی از حق‌های معین ختم می‌شوند. (گریفین^۲، ۲۰۰۸: ۱۴۹) حقوق ذیل حق بر خودمختاری، حق‌هایی هستند که در راستای شکل‌گیری فهمی از زندگی مطلوب به‌طور مستقل، ضرورت دارند.

۲-۲. مصادیق حقوق شهروندی

تیین مصادیق حقوق شهروندی بسیار دشوار می‌باشد زیرا می‌توان گفت عدالت نیز مفهومی نسبی است پس نمی‌توان میان انسان‌ها به پایگاه مستحکمی در رابطه با حقوق شهروندی مساوی دست یافت و یا گفت مصادیق حقوق شهروندی در رابطه با کل جامعه چه می‌باشد؟ حتی در یک کشور افرادی و قومیت‌های زندگی می‌کنند که برداشت متفاوتی از حقوق شهروندی دارند. پس برای گریز از جانب‌داری و رعایت عدم تعصبات به برخی از مصادیق حقوق شهروندی اشاره می‌کنیم.

همان‌طور که گفته شد بخشنامه ۱۳۸۳ اولین قانونی است که در رابطه با حقوق شهروندی به تصویب رسیده است. از موارد مهمی که در این بخشنامه آمده است می‌توان:

1. Satyanarayana
2. Bellamy
3. Griffin



- ۱) رعایت قوانین در خصوص کشف و تعقیب جرائم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت.
 - ۲) اجتناب از اعمال هرگونه سلب حقوق شخصی و سوءاستفاده از قدرت یا اعمال هرگونه خشونت یا بازداشت‌های اضافی بدون ضرورت.
 - ۳) فرصت استفاده از وکیل و کارشناس برای متهمان.
 - ۴) رعایت اخلاق و موازین اسلامی در مورد اشخاص در مظان اتهام و مرتکبان جرائم.
 - ۵) در جریان قرار گرفتن خانواده دستگیرشدگان.
 - ۶) اجتناب از ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضا.
 - ۷) تحقیر و استخفاف به آنان در جریان دستگیری و بازجویی.
 - ۸) منع از بردن متهمان به اماکن نامعلوم.
 - ۹) عدم تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته یا به متهم تعلق ندارد.
 - ۱۰) ممنوعیت افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و پرهیز از هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار.
 - ۱۱) احتراز از کنجکاوای در اسرار شخصی و خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته افراد و اجتناب از دخل و تصرف ناروا در اموال و اشیای ضبطی و توفیقی متهمان» را نام برد.
- پس از این بخشنامه بود که مجلس شورای اسلامی، در تاریخ ۱۳۸۳/۱/۱۵، بخشنامه مذکور را عیناً به عنوان قانون «احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» تصویب کرد. (امامی و استوار سنگری، منبع پیشین: ۱۱۰)
- یکی از اساتید تبیین بسیار زیبایی از آزادی‌های عمومی کرده است که می‌توان در اینجا به صورت جلوه کلی از حقوق شهروندی، این موارد را نام برد:
- الف) آزادی عملکرد فردی شامل: حق حیات و آزادی تن، امنیت، آزادی و مصونیت مسکن، تعرض ناپذیری مکاتبات، آزادی رفت و آمد.
- ب) آزادی اندیشه شامل: آزادی عقیده و آیین، آزادی بیان، آزادی آموزش و پرورش، آزادی اختیار و اطلاعات، آزادی نمایش.
- ج) آزادی گردهمایی شامل: آزادی تجمعات موقتی، آزادی سازمان پیوندی.
- د) آزادی‌های اقتصادی و اجتماعی شامل: مالکیت، آزادی بازرگانی و صنعتی، آزادی کار، آزادی سندیکایی. (قاضی، ۱۴۰۰: ۱۴۴)

۲-۳. حقوق شهروندی ضامن کرامت انسانی

اصطلاح کرامت انسان، ارزش فطری یا شایستگی یک انسان است که با ماهیت انسانیت وجود یافته و به عنوان مبنای فلسفی قانونی تمامی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است. این کرامت انسان به وسیله تدوین استانداردهای حقوق بشر بین‌المللی که محدودیت‌هایی را بر اقدامات دولت‌ها یا ممانعت آن‌ها از انجام شیوه‌هایی که منجر به نقض کرامت انسان می‌شود، حفظ و ارتقاء یافته است. از این روی حقوق بشر، کرامت انسان را مورد حمایت قرار می‌دهد. هر انسان دارای این کرامت است و چنین کرامتی ذاتی^۱ و غیرقابل تجزیه و سلب است. اغلب کرامت ذاتی بشر به عنوان مبنای حقوق بشر مطرح می‌باشد.^۲ (ویکتور کوند، ۲۰۰۲: ۱۰۹)

واژه ذاتی را مترادف با واژه «ماهوی» و به معنای امر سلب نشدنی و تفکیک‌ناپذیر و غیرقابل تجزیه بکار می‌برند (بالدوین،^۳ ۱۹۹۸: ۵۴۶) مطابق با چنین معنایی از این واژه آن‌چنان که در کنار استعمال واژه مذکور در اسناد مختلف نیز به نحوی اشاره شده، مراد از کرامت ذاتی، ارزش و احترامی است که یک انسان از آن جهت که انسان است دارا بوده و به هیچ وجه از او سلب نخواهد شد و در واقع از او غیرقابل سلب و غیرقابل تجزیه و انفکاک است و در برخورداری از این ویژگی، رنگ، نژاد، جنسیت، مذهب، عقیده و... هیچ تأثیری ندارند.

برخی کاربرد اصطلاح کرامت را در تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر بیشتر تحت تأثیر اندیشه‌های فلسفی کانت می‌دانند چراکه او با تأکید بر ارزش ذاتی انسان بر این باور بود که انسان تنها موجود دارای شخصیت است و از این روی انسان نباید به عنوان ابزاری صرف برای اهداف دیگران یا حتی اهداف خود نگریسته شود بلکه باید خودش به عنوان غایت مورد ارزیابی قرار گیرد و دارای آن‌چنان ارزش و اعتباری است که هر موجود دیگری را در جهان به احترام گذاشتن به خود ملزم می‌نماید. (کانت، ۱۳۸۰: ۱۲۱)

می‌توان گفت کرامت ذاتی انسان مبنای مهم در اعطای حقوق بشر و به رسمیت شناختن حقوق برای انسان‌ها به عنوان غایت بالذات بودن آدمی است که ضمن تصریح به غیرقابل سلب بودن آن، حاکی از نوعی برابری بین انسان‌ها بدون هر گونه تمایزی بر اساس جنس، نژاد، مذهب، رنگ و... است که به صرف انسان بودن محقق می‌شود و در گفتمان حقوق بشر چنین کرامتی را انسان‌ها به طور طبیعی و خودبه‌خود دارا هستند و از جانب کسی داده نشده تا از آن جانب مورد سلب قرار گیرد.

1. Inherent
2. victor conde
3. Baldwin



۳. تحصیل دلایل و رعایت حقوق شهروندان

در رسیدگی به امر کیفری، هر نوع اقدامی که به حقوق اساسی فرد اختلال وارد آورد، باید مبنای قانونی داشته باشد. بنابراین، نه تنها بازداشت موقت و سایر اقدامات الزام‌آور و اجباری علیه متهم، بلکه تمامی موارد تحصیل دلیل نیز در حدی که ارتباط با حقوق اساسی داشته باشد، دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای است که تخطی از آن نقض صریح قانون و موجب مسئولیت خواهد بود. (مدنی، ۱۳۸۰: ۲۴۲)

صلاحیت اتخاذ تصمیم در خصوص اقدامات محدودکننده حقوق و آزادی‌های فردی در اکثر کشورها به قاضی دادگاه واگذار شده است. هرچند در موارد فوری به مأموران پلیس و دادسرا، اختیار در بعضی اقدامات داده شده است، اما تصمیمات آن‌ها در مهلت کوتاهی باید مورد تأیید قاضی قرار گیرد. اصول مربوط به تحصیل دلیل که در گزارش‌ها از آن یاد شده، مربوط به آزادی و قانونی بودن دلایل است و معنی آن این است که در دعوی کیفری هر نوع دلیل پذیرفته است؛ مگر آن‌هایی که صریحاً در قانون اساسی یا قانون عادی منع شده باشد. در تحصیل دلیل، اسرار حرفه‌ای که ضامن اعتماد افراد است و معمولاً بین پزشک و بیمار و یا وکیل و موکل و از این قبیل مشاغل وجود دارد، باید محفوظ بماند و مورد احترام قرار گیرد. مطبوعات نیز در حفظ اسرار نقش مهمی دارند و مدیران مسئول آن را نباید ملزم به ادای شهادت و افشای اطلاعات و اخبار مربوط به مقاله‌های نویسندگان کرد. به‌علاوه از انتشار اخبار دادگستری راجع به محاکمات قبل از صدور حکم باید خودداری شود، به لحاظ اینکه آثار زیان‌بخش انتشار مطالب مربوط به جلسه دادرسی در مطبوعات، غیرقابل جبران است، حداقل در کشورهایی که این آزادی به مطبوعات داده شده، باید محدودیت یا ممنوعیت‌ها در انتشار بعضی مطالب توسط مطبوعات یا به‌طور کلی، رسانه‌های گروهی کنترل و دست‌کم تعیین شود. (رضوی و خزعلی، ۱۳۹۰: ۹۷)

۴. جنبه‌های مدنی حقوق شهروندی در وظایف شوراها

با توجه به اینکه نظام شورایی و نظارت شوراها در اداره امور محلی، در حفظ و تقویت حقوق شهروندان در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اثرگذار بوده و نقش بسزایی را در تقویت حقوق شهری ایفا می‌نماید. لذا می‌توان وظایف شوراها را چنین بیان نمود: حق برخورداری از محیط‌زیست سالم شهری، حقوق سلامت شهروندان، حقوق امنیت فردی و اجتماعی، حقوق ایمنی و محافظت ساکنان شهر از بلایای طبیعی و حوادث غیرمترقبه، حقوق مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، حق اصناف و حرف و مشاغل، حق عضویت و مشارکت در انواع زندگی انجمنی و...

شوراهای اسلامی یکی از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی است که اعضای آن مستقیماً از طرف مردم برای نظارت بر امور محلی انتخاب می‌گردند. از آنجایی که این اعضا، نمایندگان اهالی محل می‌باشند به مشکلات و نارسایی‌های موجود در محل، آگاهی کامل داشته و درصدد رفع آن مشکلات برمی‌آیند. هدف از تشکیل شوراهای اسلامی، تشویق کردن مردم به مشارکت در اداره امور محلی است و اکنون شوراها به‌عنوان نهادهای تصمیم‌گیرنده و نظارت‌کننده بر امورات محلی و در توسعه حقوق شهری و شهروندی نقش بسزایی را ایفا می‌نمایند. (نجفی، ۱۳۹۴: ۴۱)

در ایران به تبعیت از اصول و قوانین اسلامی، واگذار نمودن امور و مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی گردیده است و جهت انجام این امور، تشکیل شوراهای اسلامی ضروری به نظر می‌رسید. در حال حاضر شوراهای اسلامی از مظاهر دموکراسی و مردم‌سالاری دینی محسوب می‌گردند. هدف از تشکیل شوراهای اسلامی، تشویق کردن مردم به مشارکت در اداره امور محلی است. اکنون شوراهای اسلامی به‌عنوان نهادهای تصمیم‌گیرنده و نظارت‌کننده در امورات محلی نقش بسزایی را ایفا می‌نمایند.

حقوق شهروندی یکی از مقولاتی است که هر شخصی شایسته و استحقاق‌دارا شدن آن را دارد و رعایت این حقوق در شورای حل اختلاف به‌عنوان یک نهاد احقاق حق و برقراری عدالت لازم و ضروری است. شوراهای حل اختلاف علیرغم اینکه محاسنی دارد ولی نسبت به سیستم‌های دادرسی عادی در مقررات نهاد فوق نواقص یا ابهاماتی وجود دارد که اجرای آنها ممکن است حقوق قضایی افراد را یا به عبارتی حقوق قضایی شهروندی را به خطر اندازد که انتظار آن می‌رود روزی این نواقص برطرف شود و شبهه حقوق شهروندی مطرح نگردد. (کریمیان، ۱۳۸۹: ۱۰۴)

۵. ضمانت اجرای حقوق شهروندی در تشکیلات شورای اسلامی

اصل ۱۰۰ قانون اساسی هدف از تأسیس شوراهای محلی را پیشبرد برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی ذکر کرده است. منظور از اصل ۱۰۰ قانون اساسی این است که با انتقال قدرت تصمیم‌گیری در امور محلی، از طرف حکومت مرکزی به شوراهای اسلامی می‌توان مردم را تشویق به مشارکت و اتخاذ تصمیم برای حل مشکلات محلی نمود. با بررسی این اصل مشخص می‌شود که هدف از تشکیلات شوراهای اسلامی پیشبرد برنامه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... است و برای اینکه یک قشر خاصی تمامی قدرت محلی را در دست نگیرد، اصل ۱۰۱ قانون اساسی، شورای عالی استان‌ها را به‌عنوان مرجع کنترل‌کننده و بازدارنده معرفی کرده است. بنابراین لازم است که مصوبات شورای شهر برای مردم همان محل دارای ضمانت اجرا باشد و مردم همان محل موظفند این مصوبات را رعایت نمایند.

نقش شوراهای در اقتصاد شهری و تأکید آن بر اقتصاد ملی دو طرف است. شوراهای در چارچوب اقتصاد ملی اقدام به فعالیت و تصمیم‌گیری خواهند نمود. اختیارات شوراهای در جهت‌دهی به اقتصاد شهری بسیار مهم و مؤثر می‌باشد. شوراهای با اختیار وضع عوارض محلی می‌توانند توازن لازم را در اقتصاد شهری ایجاد نمایند. عوارض محلی در صورتی که متناسب و مطابق با سیاست‌های اقتصادی صحیح، تصویب و اخذ گردد، نقش برجسته‌ای در تعدیل نقدینگی و کاهش تورم خواهد داشت. بالعکس وضع غیرعلمی عوارض، آثار سوء توریسمی به بار خواهد آورد. (ایران‌منش و عمرانی، ۱۳۹۵: ۴۳)

بحرانی که شوراهای با آن مواجه می‌باشند، آن است که به دلیل خودکفایی شهرداری‌ها، وضع عوارض محلی صرفاً به‌عنوان وسیله‌ای برای جبران کمبودهای مالی شهرداری تبدیل شده است. در بعد دیگر نحوه هزینه و مصرف درآمدهای شهرداری نیز حائز اهمیت است. در صورتی که شوراهای بودجه شهرداری را به سمتی هدایت نمایند که شهرداری منابع خود را طی روال منطقی مصرف کند، بازدهی منابع کشور را بالا می‌برند.

وظایف اقتصادی شوراهای که بر عملکرد شهرداری و اقتصادی شهر تأثیر می‌گذارد، تصویب نرخ خدمات ارائه‌شده توسط شهرداری و سازمان‌های وابسته به آن است که مردم محل ملزم به رعایت آن هستند. شوراهای با تصویب بهای خدمات، ضمن حمایت از اقدامات خدماتی شهرداری، با ایجاد منابع پایدار و مستمر، به تداوم این خدمات کمک نموده و نهایتاً موجب رونق اقتصادی شهر می‌شوند. (همان: ۴۳)

۶. ضمانت اجرای حقوق شهروندی بر اساس وظایف شوراهای

در اصل ۱۰۳ قانون اساسی، لزوم رعایت مصوبات شوراهای به‌وسیله بخشداران، فرمانداران، استانداران و سایر مقامات کشوری پیش‌بینی شده و ضمانت اجرای آن اعلام به مقامات بالاتر است. در قوانین و مقررات مربوط به شوراهای، موقعیت شوراهای نسبت به ارگان‌ها و نهادهای دولتی دچار دگرگونی شده و به مرجع پیشنهاددهنده و همکار تبدیل شده است.

باید گفت کارکرد اصلی و مهم و اولیه شوراهای، نظارت می‌باشد و مطابق مفهومی که قانون اساسی اراده کرده است، نهادی در امور محلی از نظارت شورا مستثنی نیست. هرچند بایستی اشاره کرد که این نظارت واجد ضعف و شدت می‌باشد که مهم‌ترین و تأثیرگذارترین آن‌ها بحث نظارت بر شهرداری می‌باشد. شهرداری به‌عنوان رکن اجرایی نهاد محلی شوراهای، از طرق مختلف، تحت نظارت عالی‌تر شورای اسلامی قرار دارد. یکی از صلاحیت‌های مهم شوراهای اسلامی شهر در ارتباط با شهرداری، انتخاب شهردار برای مدت ۴ سال است. قانون شوراهای اسلامی، اعضای شورای اسلامی شهر را مکلف و متعهد نموده بلافاصله پس از رسمیت یافتن، نسبت به انتخاب شهردار واجد شرایط اقدام نماید. شهردار منتخب شوراهای اسلامی نیز تا زمانی که مورد وثوق و

تأیید اعضای شوراهای اسلامی شهر باشد به عنوان شهردار به ادامه فعالیت می‌پردازد. در غیر این صورت یعنی تخطی و انحراف از صلاحیت‌های تعیین شده و به عبارت بهتر از برنامه‌های مشخص که اعضای شوراهای اسلامی شهر به شهردار رای داده‌اند، وی از کار برکنار می‌شود. (مظهری، ۱۳۹۵: ۶۸)

ضمانت اجرای اجتماعی که در واقع یکی از انواع ضمانت اجرای غیرحقوقی می‌باشد به نوبه خود یکی از ابزارهای مهم نظارتی شورای شهر محسوب می‌شود. چراکه در این زمینه شورا با پشتوانه آرا و مشارکت‌های مردم و تحت نظارت آن‌ها برای اجرای مصوبات خود نظارت می‌کند. تأثیر روانی که نظارت مردم و اجتماع بر عملکرد نهادهای اجرایی می‌گذارد. در برخی از موارد زمینه‌ساز آن و حتی در بسیاری از مواقع بسیار مؤثرتر از ضمانت اجراها می‌گردد. چراکه نظارت‌های اجتماعی در بطن خود آثار روانی و تبعات اجتماعی در بر خواهند داشت و به نوعی وقتی مردم یک محل مشاهده کنند که شهرداری در اجرای مصوبات شورا و رسیدگی به امور عادی زندگی آن‌ها غفلت می‌کند یا ایراداتی در کار شهرداری مشاهده کنند، موجی از افکار عمومی و انتظار مردمی به عنوان پشتوانه تصمیمات شورا بر مجریان اعمال فشار می‌کند. تصمیمات شورای شهر از لحاظشان و منزلت یک نوع قاعده حقوقی محسوب می‌شوند که برای اجرای آن و عدم تخطی از آن ضمانت اجراهایی در نظر گرفته شده است. این ضمانت اجراها به فراخور موقعیت و زمان مصلحت مورد استفاده قرار می‌گیرند. شورای شهر نیز در به کارگیری این تصمیمات باید بر طبق ضوابط پیش‌بینی شده در قوانین و مقررات آن‌ها را اجرا کند. (همان: ۶۸)

بحث و نتیجه‌گیری

شوراها می‌توانند با فراهم آوردن بستر مشارکت شهروندان در اداره امور، نقش بسیار مثبت و مهمی در احقاق حقوق شهروندی داشته باشند. با توجه به نقش شهروندان در انتخابات شورای شهر، به نظر می‌رسد زمانی حق شهروندی در شوراها رعایت می‌گردد که وی دارای اصل اختیاری بودن شرکت در انتخابات باشد. مکانیزم‌های زیادی برای تحقق حقوق شهروندی وجود دارد. یکی از این مکانیزم‌ها که در واقع یکی از مؤلفه‌های اصلی دموکراسی نیز است بحث مشارکت مردم در تعیین سرنوشت و آینده خود در قالب انتخابات است. اعضای شوراها هر محل را مردم همان محل انتخاب می‌کنند و انجام مستقیم انتخابات توسط هیئت اجرایی معتمد مردم و منتخب وزارت کشور صورت می‌گیرد. حفظ صیانت حقوق شهروندی در شورای اسلامی از وظایف شورای اسلامی است. به نظر می‌رسد معیارهایی چون برقراری قانون، تکریم ارباب رجوع، کاستن از اطاله دادرسی جهت تحقق و پاسداشت برخی حقوق شهروندی می‌باشد. از مهم‌ترین دلایل تشکیل شورای اسلامی رفع تبعیض می‌باشد که این مهم به دلیل انتخابی بودن اعضا و همچنین وجود سلسله‌مراتب می‌تواند با برنامه‌ریزی و مشارکت‌های مردمی برقرار شود. اصل ۱۰۰ قانون اساسی هدف از تأسیس شوراها محلی را پیشبرد برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی ذکر کرده است. ضمانت اجراهای حقوق شهروندی پیش‌بینی شده در قانون تشکیلات و وظایف و انتخابات شوراها اسلامی در برابر شهرداری، در برابر مردم محل و در برابر استانداران، فرمانداران و بخشداران و مقامات کشوری است.

منابع

- امامی، محمد؛ استوار سنگری، کوروش. (۱۳۹۱). *حقوق اداری*. انتشارات میزان.
 - کانت، امانوئل. (۱۳۸۰). *مابعد الطبیعه اخلاق: فلسفه فضیلت*، (اصول اولیه مابعد طبیعی تعلیم فضیلت). مترجم منوچهر صناعی دره بیدی. نقش و نگار.
 - ایرانمنش، محسن؛ عمرانی، شهربانو. (۱۳۹۵). *جنبه های مدنی حقوق شهروندی در تشکیلات و وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی و ضمانت اجراهای مدنی آن*. کنفرانس بین المللی حقوق و توسعه پایدار جامعه مدنی، ۷.

<https://civilica.com/doc/925244/>

- تقی اوغلی، غفور. (۱۳۸۷). *جرایم علیه حقوق شهروندی*. چاپ اول. انتشارات محقق اردبیلی.
 - حسینی، سیدابراهیم. (۱۳۹۱). *محدودیت های مجلس شورای اسلامی در قانون گذاری. مجله فقه و اصول: حکومت اسلامی*، ۱۷(۶۶)، ۱۹۴ - ۱۶۳.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1009146/>

- ربانی، محمدجواد. (۱۳۹۹). *بررسی روابط شورای شهر و شهرداری. مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه*، ۶(۲)، ۲۱۷ - ۲۰۶.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1691921/>

- رستمی، ولی و حسینی پوراردکانی، سید مجتبی. (۱۳۹۲). *جایگاه شوراهای اسلامی کشور در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه دانش حقوق عمومی*، ۲(۵)، ۶۰ - ۴۱.

http://mag.shora-rc.ir/article_31.html

- رضوی، محمد و خزعلی، سیدعلی. (۱۳۹۰). *حقوق شهروندی در فرآیند کشف جرم. دانش انتظامی*، ۹(۳۶)، ۱۰۷ - ۸۵.

<https://www.sid.ir/paper/100466/fa>

- کریمیان پور، فاطمه. (۱۳۸۹). *بررسی جایگاه مشارکت شهروندی در مدیریت شهر مشهد. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد*.
 - مدنی، سید جلال الدین. (۱۳۸۰). *آیین دادرسی کیفری ۱ و ۲*. چاپ دوم. انتشارات پایدار.
 - مظهری، محمد. (۱۳۹۵). *تاملی بر فرایند انتخابات شوراهای شهر و روستا در ایران و فرانسه. مطالعات حقوق تطبیقی*، ۷(۲)، ۷۵۲ - ۷۲۵.

<https://www.sid.ir/paper/246346/fa>

- نجفی، زهرا. (۱۳۹۴). *مسئولیت مدنی شورای شهر. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود*.

- Baldwin, James M. (1998). *Dictionary of philosophy and psychology*. Thoemmes press.
- Bellamy, Richard. (2014). *The theories and practices of citizenship*, in Bellamy. volume I. Routledge.
- H. victor conde (2002). *A Hand book of International Human Rights Terminology*. second Edition. University of Nebraska Press.
- Griffin, James. (2008). *On Human Rights*. Oxford: Oxford University Press.

- Satyanarayana, D. (2015). an exploration on nature of human rights. *International Journal of Academic Research*, 4(3), 21 – 31.

<https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC7926733/>

